

انسان منتظر و مقابله با عرفان‌های نوظهور

سمیه معینیان^۱

چکیده

متأسفانه در برابر عرفان اصیل و ناب، عرفان‌های دروغین و حيله‌گر، امروزه جلوه‌گر شده‌اند و با جذابیت‌های خاصی سعی در به انحراف کشاندن مردم و مخصوصاً قشر جوان همه جوامع بشری را دارند. هنوز تعریف پذیرفته و کاملی از جنبش‌های جدید معنوی عرضه نشده است. از کارآمدترین روش‌ها استفاده از مدل جغرافیایی در تقسیم عرفان‌های نوظهور است. رسالت دانشمندان همه عصر این است که با هوشیاری کامل، تقاضاها و نیازها و خلأ روحی و فکری و اجتماعی را فوراً دریابند و آنها را به شکلی صحیح پر کنند تا با امور دیگر پر نشود. انتظار دو معنی دارد: مثبت و منفی که انتظار مثبت، سازنده است. انسان منتظر، دست روی دست نمی‌گذارد و با وارفتگی و سکوت پیشه نمی‌کند و ظلم‌پذیر نیست. هر تحولی قبل از هر چیز نیازمند به عناصر آماده و با ارزش انسانی است که بتواند بار سنگین چنان اصلاحات وسیع جهانی به دوش بکشد. منتظران راستین، وظیفه دارند تنها به خویش نپردازند، بلکه مراقب حال یکدیگر باشند و علاوه بر اصلاح خویش، در اصلاح دیگران نیز بکوشند، زیرا برنامه عظیمی که به مقابله با آن می‌پردازند، یک برنامه فردی نیست، برنامه‌ای است که تمام عناصر انقلاب باید در آن شرکت جویند. مسئله انتظار حکومت حق و عدالت مهدی(عج) و قیام صلح جهانی، در واقع مرکب از دو عنصر است: عنصر نفی و اثبات. عنصر نفی، همان بیگانگی با وضع موجود و عنصر اثبات، خواهان وضع بهتری بودن است، من اگر ظالم و ستمگرم، چگونه ممکن است در انتظار کسی باشم که کلمه شمشیرش خون ستمگران است؟ چنین تحولی قبل از هر چیز نیازمند به عناصر آماده و با ارزش انسانی است. امر شناخت امام زمان(عج) و یاری رساندن به ایشان مهم‌ترین وظیفه در زندگی مردم در هر زمانی بوده است. مشکل بزرگ این است که فضایی آماده برای فعالیت این گروه‌ها فراهم شده و یکی غفلت مسئولان است برای مقابله با عرفان‌های نوظهور و مدعیان دروغین باید تمام دستگاه‌های کشور، اعم از فرهنگی و قضایی و امنیتی و قوای کشور کمک گرفته شود. مبارزه با نحله‌های انحرافی باید با جدیت بیشتری پیگیری شود. دشمن، ایمان، باور و هویت جوانان را نشانه گرفته است. اگر در مقابل آنان با هوشیاری عمل نگرده، بیم می‌رود بر تعداد فریب‌خوردگان افزوده شود.

کلیدواژه‌ها: انسان منتظر، عرفان‌های نوظهور، مقابله با آن

^۱ سال پنجم مدرسه عصمتیه سمنان

مقدمه

با توجه به معنای عرفان، روشن می‌شود که اصل اول در عرفان، عمل خالصانه و کوشش مجدانه و مستمر در انجام دستورات الهی و آداب و اخلاق شریعت محمدی است که قلب، نورانی می‌شود و به حقیقت می‌رسد. هر فرقه و نحله‌ای که ادعای عرفان و تصوف دارد باید با این عیار محک زده شود، ولی در برابر عرفان اصیل و ناب، عرفان‌های دروغین و حيله‌گر امروزه جلوه‌گر شده‌اند و با جذابیت‌های خاصی سعی در به انحراف کشاندن مردم و مخصوصاً قشر جوان جوامع بشری دارند. بر اساس مدل جغرافیایی می‌توان عرفان‌های نوظهور را تقسیم‌بندی نمود که با توجه به منشأ یا مکان شکل‌گیری و پیدایش آنهاست. هر عصر، ویژگی‌ها و ضرورت‌ها و تقاضاهایی دارد که از دگرگون شدن وضع زمان و پیدایش مسائل جدید و مفاهیم تازه در عرصه زندگی سرچشمه می‌گیرد و انتظار دو معنی دارد، مثبت و منفی، انتظار مثبت، یعنی منتظر رهبری بی‌نقص و کامل بودن، منتظر قانون صد درصد سالم و جامع جامع بودن، منتظر نظام عدل بودن، منتظر رشد، تکامل، ترقی، بصیرت، احقاق حق، محو باطل ... بودن گفته شده در مورد کسی که ولایت پیشوایان را دارد و انتظار حکومت حق را دارد و در این حال از دنیا می‌رود، او مانند کسی است که با رهبر این انقلاب و در خیمه او بوده است و یا شمشیرزنی در راه خدا، انتظار معمولاً به حالت کسی گفته می‌شود که از وضع موجود ناراحت است و برای ایجاد وضع بهتری تلاش می‌کند. چنین تحولی قبل از هر چیز نیازمند به عناصر آماده و با ارزش انسانی است. منتظر راستین باید به اصلاح خویش و دیگران بکوشد. نه تنها فرعون بود که برای بنی اسرائیل مردان‌شان را می‌کشت و زنان‌شان را برای خدمتکاری زنده می‌گذاشت، در طول تاریخ، همه جباران چنین بودند. هر گاه قائم بپاخیزد، خداوند شناخت چهره‌ها را به آن حضرت عطا فرماید و خداوند به شیطان تا وقت معلوم مهلت داده است. در سال‌های اخیر شدت فعالیت عرفان‌هایی که ادعای معنوی هم دارند، افزوده شده است، نقطه مشترک اما و در اصل معنی متفاوت میان مهدویت و عرفان‌های نوظهور، امید به آینده برای مهدویت، با اعتقاد به ظهور امام زمان (عج)، امید به تحقق عدالت می‌باشد.

ما هر چه به لحظات ظهور نزدیک‌تر بشویم، حملات شیاطین جنس و انس و امواج فتنه‌های شک و تردید شدت پیدا می‌کند. غربالگری در عصر انتظار سخت‌تر و سخت‌تر می‌شود و سوال است که برای شناخت و مبارزه با عرفان‌های نوظهور چه کارهایی انجام دهیم؟ و راهکار مقابله با فرقه‌های انحرافی چیست؟ خانواده‌ها برای

فرزندان خود وقت بگذارند و افرادی را که جذب این فرقه‌ها شده‌اند، طرد نکنیم. در این میان نقش نهادهای فرهنگی و رسانه‌ها بیشتر از سایر نهادها در آسیب‌شناسی و بسترسازی برای پیشگیری از ابتلاء جامعه به این آسیب‌های نوظهور می‌تواند تأثیرگذار باشد.

مفهوم و معنای عرفان‌های نوظهور

علامه طباطبائی در تفسیر آیه «وَمَا خَلَقْتَ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»، لِيَعْبُدُونِ^۱ را به لِيَعْرِفُونَ تفسیر می‌کنند و هدف خلقت را همان عرفان و شناخت حقیقی می‌دانند.

با توجه به معنای عرفان، روشن می‌شود که اصل اولی در عرفان، عمل خالصانه و کوشش مجدانه و مستمر در انجام دستورات الهی و آداب و اخلاق شریعت محمدی است که در این صورت، قلب نورانی می‌شود و به حقیقت توحید می‌رسد. هر فرقه و خله‌ای که ادعای عرفان و تصوف دارد، باید با این عیار محک زده شود، ولی متأسفانه در برابر عرفان اصیل و ناب، عرفان‌های دروغین و حيله‌گر امروزه جلوه‌گر شده‌اند و با جذابیت‌های خاصی سعی در به انحراف کشاندن مردم و مخصوصاً قشر جوان جوامع بشری را دارند.

در این عرفان‌ها الزاماً نزدیکی و محبت خداوند، هدف اصلی نبوده است و اهدافی ادعایی مانند: عشق، شادی و آرامش جای آن را گرفته است. با این حال، عواملی مانند: ترویج تکثرگرایی دینی، مریدپروری، ایجاد پایگاه و معرفی عشق به عنوان هدف، توجه به درون و اخلاق، توجه به مسائل جنسی و... ویژگی‌های کم و بیش مشترک میان آنها است.

طبیعت‌گرایی افراطی (ناتورالیسم) و عرفان‌های باستانی و بودیسم از جمله تعلیمات اوشو و هندوئیسم و سرخ‌پوستی و تعالیمی چون «دیدگاه» و «زن» و شیطان‌پرستی و کاربالیسم (تصوف یهودی) و بنیادگرایی مسیحی و سبک‌های نوین (مدیتیشن) (تمرکز کردن بر قوای باطنی که به حالتی شبیه به خلسه می‌انجامد) و در (ریلکسیشن) (تعادل روحی پیدا کردن) از جمله مکتب‌هایی هستند که ما از آنها به عنوان عرفان‌های نوظهور یاد می‌کنیم. اینگونه عرفان‌ها از لحاظ محتوی و شکل ظاهری، بسیار متنوع هستند. مثلاً در شیطان-

^۱ آیه ۵۶ سوره زاریات

پرستی اگر چه خدایی وجود دارد، ولی قدرت مطلق از آن شیطان است، اما در طبیعت گرایی، خدایی اصلاً وجود ندارد.^۱

تعریف عرفان‌های نوظهور

هنوز تعریف پذیرفته و کاملی از جنبش‌های جدید معنوی عرضه نشده است، به عبارت دقیق‌تر، امکان ارائه تعریف دقیق علمی و منطقی به صورتی که جامع و کامل باشد و همه شقوق را شامل شده و آن را از دیگر جریانات متمایز کند، وجود ندارد. به صورت ابتدایی می‌توان گفت که مجموع گروه‌ها و جریاناتی که هدف یا منش معنوی و عرفانی داشته و آموزه‌های باطن‌گرایانه را برای جذب مخاطب تبلیغ کرده‌اند، به عرفان‌های نوظهور معروف می‌باشند؛ البته اصطلاح نوظهور با توجه به سابقه زمانی که این جریان‌ها استفاده می‌شود و از واژگانی چون کاذب، زمینی و غیره نیز استفاده می‌شود. در واقع، عرفان‌های نوظهور به معنویت‌هایی اشاره دارد که در سال‌های اخیر در ایران ظهور و گسترش پیدا کرده‌اند. البته برخی از عرفان‌ها مانند یوگا و عرفان‌های سرخ‌پوستی از نظر تاریخی دارای سابقه دیرینه‌ای می‌باشند، اما ورود آنها به ایران در دهه‌های اخیر شدت گرفته و به این خاطر نوظهور تلقی می‌شوند.^۲

خاستگاه جغرافیایی عرفان‌های نوظهور

پژوهشگران در دسته‌بندی عرفان‌های نوظهور از شیوه‌های مختلف و متفاوتی استفاده کرده‌اند که یکی از کارآمدترین این روش‌ها استفاده از مدل جغرافیایی در تقسیم عرفان‌های نوظهور است. براساس این مدل، عرفان‌های نوظهور را با توجه به «منشأ یا مکان شکل‌گیری و پیدایش» می‌توان به شش دسته تقسیم نمود:

۱- **عرفان‌های هندی:** یکی از مهم‌ترین سرزمین‌هایی که از گذشته دور تاکنون مرکز پیدایش عرفان‌های مختلف بوده است، سرزمین هند است. آیین‌ها و عرفان‌های به وجود آمده در این سرزمین را با توجه به دوره پیدایش هر یک از آنها می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد: آیین‌های باستانی که شامل «ودا»، «برهمن یا هندوئیسم»، «جین»، «بودا» و «تنتره» می‌شود، آیین‌های نوظهور که «یوگا»،

^۱ مصطفی ملکیان، راهی به راهی، صفحه ۳۷۶

^۲ لویس معطوف، المنجد، چاپ دوم، جلد دوم، صفحه ۱۳۲۱

«اشو»، «سای بابا»، «رام الله»، «کریشنا»، «یوگاندا» و «دالایی لاما» را می‌توان به عنوان مهم‌ترین آنها نام برد.

۲- عرفان‌های آمریکایی: دومین محدوده پیدایش عرفان‌های کاذب را می‌توان در قاره آمریکا و بخصوص در آمریکای جنوبی و کشور مکزیک دانست؛ در طول تاریخ، عرفان‌های متعدد و متنوعی در این قاره پدید آمد که بسیاری از آنها نوظهور بوده و تنها تعداد کمی از آنها جزء عرفان‌های قدیمی محسوب می‌شوند. از میان عرفان‌های پدید آمده در قاره آمریکا می‌توان از «عرفان‌های سرخپوستی» (شامل تولتک، سو و عرفان سامری)، «اکنکار» و «پائولو کوئیلو» به عنوان مهم‌ترین آنها نام برد که عرفان سرخپوستی، نسبت به اکنکار و پائولو کوئیلو قدمت بیشتری دارد.

۳- عرفان‌های نشأت گرفته از آیین مسیحیت: عرفان‌های نشأت گرفته از آیین مسیحیت را با توجه به دو جریانی که در زمینه عرفانی در میان بزرگان مسیحیت وجود دارد، می‌توان به دو گروه تقسیم کرد. گروه نخست، عرفان‌های خدامحور که در آنها خداوند به عنوان موجودی متمایز از انسان معرفی شده است که با محبت و عشق می‌توان به او رسید. این عرفان توسط «آگوستین قدیس» در میان مسیحیت رواج یافت. گروه دوم عرفان غایی که مسیح‌محور بوده و پیروان آن خداوند، لطف و حضرت مسیح(ع) را یکسان می‌دانند. این عرفان نیز برای اولین بار توسط «پولس قدیس» در میان مسیحیان مطرح شد.

۴- عرفان نشأت گرفته از آیین یهود: عرفان یهود که در زبان فارسی با عنوان «عرفان قبّاله»، «عرفان قبّالا» و «آیین کابالا» یاد می‌گردد. در واقع، شبه‌عرفانی است که از ترکیب دیگر عرفان‌ها و آیین‌ها همچون عرفان‌های مسیحیت و یوگا و آیین زرتشتی به وجود آمده است. از همین روست که بسیاری از محققان بر این باور هستند که یهود اساساً عرفان ندارد.

۵- عرفان‌های چینی: آیین ذن، مجموعه عرفان‌هایی است که خاستگاه آنها کشور چین بوده است. تائوئیسم و کنفوسیوس را می‌توان به عنوان برجسته‌ترین عرفان‌های چینی دانست. البته افکار چینیان از این دو عرفان، فراتر رفته است؛ به گونه‌ای که در برهه‌ای از زمان، بودیسم، سراسر چین را فراگرفت و غلبه کمونیست بر این کشور موجب به وجود آمدن تغییرات مهمی در عرفان‌های چینی شد.

دشمن را بشناسیم، آن زمان است که می‌توانیم با روایت‌های جعلی و تقلبی دشمن مبارزه کنیم. بشر تشنه معنویت است و فطرتی خداجو دارد. دشمن از این نقطه قوت سوء استفاده می‌کند و معنویتی جعلی می‌سازد و این اندیشه را به انسان القا می‌کند که می‌توان عارف بود، اما نیازی به دین نداشت و حرف‌هایی که ظاهر زیبا و جذاب دارند، با کلیدواژه‌هایی مانند «آرامش» و «امید به آینده» به آنها رنگ و لعاب می‌بخشد، آنها نکات و حکمت‌هایی درباره آرامش بیان می‌کنند و هدف، ایجاد انحراف است. باید فرزندان را به مبانی معنویت رهنمون کرد، مهدویت، تفکر جدید نیست، نقطه اشتراک همه ادیان است.

تمایز اندیشه مهدویت در اسلام و دیگر ادیان در این است که مهدویت در دین اسلام جزء مسلمات است و برای ما مبهم نیست. نقطه امتیاز تشیع در زمینه مهدویت این است که ما می‌دانیم منجی چه کسی است و چه زمانی متولد شده است، پدران او چه کسانی هستند؛ البته در کتب اهل سنت نیز به مهدویت اشاره شده است. نباید از اصل مهدویت به عنوان یکی از معارف دینی غفلت شود. معانی این تفکر در قرآن و روایات وجود دارد. این اصل نقطه امیدها است، ما اعتقاد داریم وضع چنانکه است، باقی نمی‌ماند، در یک کلام، مهدویت، ثمره و دستاورد زحمات تمام انبیاء است، توحید در حاکمیت امام زمان (عج) محقق خواهد شد. از دلایل جذب افراد به عرفان‌های نوظهور، جهل نسبت به مبانی است. اگر اصول و مبانی فرزندان ما تقویت شود و با استدلال عملی برای آنها روشن شود، جوان به آسانی مجذوب سوغات جعلی غربی‌ها نخواهد شد.

عرفان دو نوع است: عرفان اصل و عرفان جعلی که باید این دو را از یکدیگر باز شناسیم. هدف عرفان اصیل، خدا است که همان عرفان ائمه اطهار (ع) است. عرفان‌های نوظهور، دین را از عرفان جدا می‌کند و برای افرادی که می‌خواهند از زیر بار مسئولیت‌های بندگی خدا فرار کنند، جذابیت دارد. از طرفی انسان به دنبال معنویت است و آن را می‌جوید و دشمن از این نقطه سوء استفاده می‌کند.

عرفان‌های نوظهور، ساخته و پرداخته انسان‌ها است و ماهیت آن کذب و بر اساس تجربه شخصی افراد است. غایت و اهداف عرفان اصیل، خدا است، اما غایت عرفان کاذب، به رسیدن به قدرت روحی و آرامش روحی است و در همین سطح باقی می‌ماند. ممکن است انسان با انجام دادن یکسری ریاضت‌های جسمی و روحی، به دستاوردهایی در همین دنیا برسد و کارهای خارق‌العاده انجام دهد، اما آیا خداوند، انسان‌ها را در این سطح و به این منظور خلق کرده است؟ ظرفیت انسان بیش از این است. عرفان‌های نوظهور، سیستم وجود انسان را

به هم می‌زند، اما دین، برنامه کسی است که صانع و خالق انسان است، دنیا و آخرت انسان را می‌شناسد و براساس آن و اقتضای مسیر انسان در این دنیا برای او برنامه‌ریزی کرده است. در عرفان‌های نوظهور به نام عرفان و به نام معنویت، کاری می‌کنند که انسان بیشتر در دنیا غوطه‌ور شود و اسیر آن شود.

انسان ممکن است در عرفان‌های نوظهور به آرامش‌هایی دست پیدا کند، اما اینها مسکن هستند، دوامی ندارند و خلأ معنویت را برای انسان پر نمی‌کنند، شاخص دیگر عرفان‌های نوظهور، تناسخ است. آنها معتقدند انسان از کالبدی به کالبد دیگر منتقل می‌شود.

اصول و مبانی دینی باید تقویت شود و هستی‌شناسی و انسان‌شناسی و معاد هم باید تقویت شود. در عین حال باید اعتقاد به امامت و ذیل آن مهدویت هم تقویت شود. از قرآن و نهج‌البلاغه جدا نشویم. منابع خود را برای تقویت دین از یوتیوب و اینستاگرام دریافت نکنیم و افراد و منابع مطمئن بهره‌مند شویم. آگاهی کم باعث می‌شود انسان به آنها متمایل شود یا حداقل مردد شود. ایمان ما و محبت ما به اهل بیت(ع)، سرمایه ما است. خانواده‌ها باید برای فرزندان خود وقت بگذارند. نهادهای فرهنگی به این موضوع توجه وافیه داشته باشند. افرادی را که جذب این فرقه‌ها شده‌اند، از خود طرد نکنیم، بلکه آنها را جذب کنیم.^۱

راهکار مقابله با فرقه‌های انحرافی

امروزه جریان‌های اعتقادی و فکری خطرناکی است که با شدت و سرعت در حال تبلیغ و ترویج هستند و برای نیل به اهداف و مقاصد خود همه ابزار و ترفندها و حربه‌ها را به تجربه می‌گذارند. جریان‌هایی که در پوشش دین می‌آیند و ظواهر مذهبی به خود می‌گیرند و ادعای تزه و تقدس می‌کنند، بسیار مرموزتر و خطرناک‌ترند و آسیب‌هایی که از جانب آنها به اسلام و جامعه اسلامی وارد می‌شود، قابل مقایسه با جریان‌های فکری ناسالم دیگر نیست. گرایش جوانان به عرفان‌های کاذب و نوظهور از عدم ارتباط آنان با مسجد و روحانیت است. افرادی که از لحاظ اعتقادی، متزلزل هستند، در زمان ناتوانی در مقابل مشکلات به این عرفان کاذب روی می‌آورند. موضوع رواج فرقه‌های انحرافی در جامعه، به ویژه در میان جوانان و دانشگاهیان، مسئله‌ای است که دست-

^۱ علی صالحی، سازمان جهاد دانشگاهی استان خوزستان

اندرکاران فرهنگی که کشور باید بیش از گذشته بر روی آن تمرکز کنند و با برنامه‌ریزی فرهنگی مناسب از شیوع این آسیب خطرناک در جامعه جلوگیری کنند.

مبارزه با نحله‌های انحرافی باید با جدیت پیگیری شود. دشمن، ایمان، باور و هویت جوانان را نشانه گرفته است تا بنیاد این نظام را متزلزل کند. اگر در مقابل این چالش اساسی با هوشیاری عمل نگردد، بیم آن می‌رود که روزانه بر شمار فریب خوردگان افزوده شود. در این میان، نقش نهادهای فرهنگی و رسانه بیشتر از سایر نهادها در شناسایی آسیب‌ها و بسترسازی برای پیشگیری از ابتلاء جامعه به این آسیب‌های نوظهور می‌تواند تأثیرگذار باشد.^۱

^۱ شفیعیان ، خبرگزاری مهر

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر با عنوان انسان منتظر و مقابله با عرفان‌های نوظهور انجام شد. شناخت عرفان‌های نوظهور و مقابله با آن از وظایف انسان منتظر است. هر انتظاری سازنده نیست، بلکه انتظاری که در آن منتظر رهبری بی‌نقص و کامل بودن، منتظر قانون صد درصد سالم و جامع بودن، منتظر نظام عدل بودن است. زیرا چگونگی انتظار همواره متناسب با آن هدفی است که در انتظار آن هستیم. خودسازی برای چنین هدفی مستلزم به کار بستن عمیق‌ترین برنامه‌های اخلاقی، فکری و اجتماعی است، اگر انتظار به مفهوم واقعی در جامعه پیاده شود، یک عامل مهم تربیت و خودسازی و تحرک و امید خواهد بود. امر شناخت امام زمان (عج) و یاری رساندن به ایشان از مهم‌ترین وظیفه در زندگی مردم در هر زمانی بوده است. هرگاه قائم ما بپاخیزد، خداوند، شناخت چهره‌ها را به آن حضرت عطا می‌فرماید. پیشانی‌شان و قدم‌هایشان بگیرند و سپس بگیرند از دم تیغ می‌گذرانند. اگر مهدویت درست تبیین شود، جایی برای عرفان‌های نوظهور در کشور نخواهد بود. برای جلوگیری از فعالیت فرقه‌ها و جریان‌های نوظهور معنوی لازم است که ابتدا مدیران فرهنگی و غیرفرهنگی توجیه شوند. برای جلوگیری از ترویج عرفان‌های کاذب باید تعالیم و ارزش‌های انسانی آسان و قابل فهم بیان شود. اصول و مبانی دینی باید تقویت شود، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی و معاد هم باید تقویت شود. اعتقاد به امامت و ذیل آن مهدویت هم باید تقویت شود.

فهرست منابع

* قرآن

منابع فارسی

- ۱- ابن بابویه، محمد بن علی، معروف به شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، جلد اول و سوم، مترجم: منصور پهلوان.
- ۲- بحرینی دشتی، احمد، قم، انتشارات موعود در اسلام.
- ۳- صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، چاپ اول، ناشر: قم: مؤسسه السیده معصومه.
- ۴- فعالی، محمدتقی، آفتاب و سایه‌ها، ناشر: تهران، عابد ۹۰، چاپ ۹.
- ۵- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، با همکاری جمعی از نویسندگان، جلد اول، جلد سوم، جلد هفتم، جلد دوازدهم، جلد شانزدهم، ناشر: دارالکتب الاسلامیه.
- ۶- موسوی اصفهانی، سیدمحمدتقی، مکیال المکارم، جلد اول، مترجم: سیدمهدی حائری قزوینی، ناشر: انتشارات مسجد مقدس جمکران.
- ۷- مطهری، مرتضی، قیام و انقلاب مهدی، از دیدگاه فلسفه تاریخ و مقاله شهید.
- ۸- ملکیان، مصطفی. راهی به رهایی، انتشار: نگاه معاصر.
- ۹- معطوف، لوئیس، المنجد، ترجمه: بندریگی، محمد، انتشارات ایران، جلد دوم.

منابع سایت

- ۱- شفیعیان، خبرگزاری مهر
- ۲- صالحی، علی، سازمان جهاد دانشگاهی استان خوزستان
- ۳- صفالی، محمدتقی، حوزه، خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش خبرنگار ایرنا
- ۴- گریدانی، مسلم، پایگاه بین‌المللی همکاری خبری شیعه، شفقنا
- ۵- مظاهری صیف، حمیدرضا، خبرگزاری رسمی حوزه